

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Children

کودکان

تھمینه مقدم – تارا

۱۰ جون ۲۰۱۳

به مناسبت ۱۲ جون روز جهانی علیه کار کودکان

دوازدهم جون - بیست و دوم خرداد[جوزا]، روز جهانی مبارزه با استثمار کودکان است. روز یادآوری درد کودک کار و خیابان، کودک زباله گرد، کودک گل فروش، کودک کوره پزخانه ئی، کودک تن فروش، کودک توزیع مواد مخدر، کودک جوشکار و نجار و خیاط و شیشه بر و شیشه ساز و هزاران شغل خطرناک دیگر.

روز یادآوری درد ترک تحصیل کودکان فقیر و تحقیر کودکی شان،

روز یادآوری تغییر برای بشریت و برای کودک،

روز یادآوری مطالباتی در جهت لغو کار کودک،

روز یادآوری کودک اسیر سرمایه و فقدان شادی و بازی برای کودک...

در بحران اقتصادی سرمایه داری تقاضای نیروی کار ارزان افزایش پیدا می کند، برای برون رفت از این بحران استفاده از کودکان و زنان بهترین گزینه است؛ خانواده های کارگری که بی کار هستند و یا دستمزدهای ناچیز کفاف زندگی شان را نمی دهد به ناچار کودکان خود را از مدرسه جدا می کنند و راهی بازار کار می کنند و کودکان از کودکی با دنیای وحشیانه سرمایه داری آشنا می شوند.

گاهی اوقات کودکان در حین تحصیل، به کار اشتغال دارند که به علت حجم و فشار کار زیاد و کارهای سخت، بازده یادگیری کاسته شده است و کودک به علت افت شدید تحصیلی ممکن است تحصیل را رها کند. کودکانی که با مواد خطرناک کیمیائی سروکار دارند، به طور مدام در معرض انواع بیماریهای پوستی قرار دارند؛ و یا در بهترین حالت دخترانی که از تحصیل باز می مانند تا از خواهران و برادران کوچکتر خود نگهداری کنند تا مادر بتواند سرکار برود. و صدها شغل خطرناک دیگر که کودکان را همه روزه در وضعیت بسیار رقت انگیزی قرار می دهد.

آمارهای رسمی سازمان جهانی کار بیانگر رشد بی رویه استثمار کودکان کار است، اعم از اشتغال در خیابانها یا به کارگیری آنها در نیروی نظامی، و فحشاء.

با گسترش سرمایه داری و ناتوانی سیاستمداران و دولتها در کشورهای پیرامونی بر تعداد خانواده های فقیر بیش از پیش افزوده شده است، و کودکان کار قربانیان افزایش سود سرمایه داران و دولتها می باشند.

در ایران با توجه به فروش بی سابقه نفت در سالهای اخیر و افزایش ثروت آن، اما همچنان شاهد پدیده کودکان خیابانی هستیم. از آنجائی که کار کودکان زیر ۱۵ سال ممنوع است اما کسی به این قانون توجهی نمی کند و همچنان کودکان را در هر کارگاه و مغازه و کوچه پس کوچه های بازار تهران بدون هیچ گونه شرمی از بهره کشی از آنان برای کسب سود بیشتری می بینیم.

اولین قربانیان بعد از جنگ کودکان هستند که از خانه و کاشانه خود آواره می شوند و به ناچار برای تأمین زندگی به کار خیابانی رو می آورند و یا به پرورشگاه سپرده می شوند. کودکانی که طعم تلخ مرگ پدر و مادر و خواهران و برادران را تجربه می کنند. مدارس مورد هجوم نظامیان قرار می گیرند، و هرگز تا پایان عمر این فشار روحی آنها را رها نخواهد کرد و کودکانی که خشونت را در زندگی تجربه می کنند بعضی از آنها به انتقام گیرندگان از دیگران و هر آنچه در زندگی هست، تبدیل می شوند.

بنا به آمارهای موجود کودکانی اند که هر ساله به دلیل فقر خانواده ها به کشورهای عربی تحت نام ازدواج (صیغه) فروخته می شوند. این ازدواجها معمولاً جائی ثبت نمی شوند و دختران بعد از مدت خیلی کوتاهی به خانواده برگردانده می شوند. و بدین ترتیب کسی حاضر به ازدواج با این دختران نمی شود. خیلی از این دختران قربانی تجاوزات بیشمار قرار می گیرند و یا بعد از به دنیا آوردن کودکی رها می شوند.

در جهان امروزی شاهد تولید و افزایش مواد غذایی در جهان هستیم اما همچنان با بحران آن در افریقا، آسیا و امریکای لاتین روبه رو هستیم.

بعد از جنگ جهانی اول توجه به وضعیت حقوق کودکان بازمانده از جنگ و اولین اعلامیه حقوق کودک برای حمایت از حقوق کودک در برابر جنگ به تصویب رسید. با تصویب منشور جهانی حقوق کودک تا کنون بسیاری از کشورها این پیمان نامه را امضاء کرده اند اما همچنان شاهد کودکان کار و خیابان هستیم؛ و این نشان از بی تعهدی سازمانهای بین المللی است که نتوانسته است تعهدات واقعی را برای کشورهای عضو ایجاد کند.

همچنین سازمان جهانی کار یک روز از سال را به مبارزه علیه استثمار کودکان اختصاص داده است اما هیچ گونه تلاش جدی و عملی در این زمینه دیده نمی شود.

در افغانستان، هند، بنگلادش و... کودکان همواره به عنوان نیروی کار ارزان به بازار ارائه می شوند. در ایران با توجه به افزایش فقر روزافزون و پائین بودن حداقل دستمزد رسمی، ورود کودکان طبقات تهیدست جامعه را به بازار کار سرعت بخشیده است.

دولت جمهوری اسلامی ایران، به وظایف و تعهد خود در قبال کودکان عمل نمی کند و از موانع بزرگ در راه پیشرفت و رشد و شکوفائی خلاقیت کودکان در مدارس و مهدهای کودک است.

در دولت نظامی فرسایشی ایران در طول جنگ ایران و عراق همواره شاهد کودکانی بودیم که به امید واهی بهشت و امام زمان به صورت برده نظامی اسیر و یا کشته شدند. کودکان و یا جوانانی که تحت عنوان بز هکار به جامعه معرفی می شوند، در واقع گوشه ای از نمایش تراژدی کودک کار دیروز است. چرا که کارفرما به دلایل مختلف از پرداخت حقوق واقعی و به موقع وی به عنوان یک کارگر امتناع کرده است و این شرایط زندگی است که او را از سر نیاز و ناچاری به این سو کشیده است.

باید با مبارزه مدام وظایف دولتها را یادآوری کرد. باید دولتها را واداشت تا لغو کار کودک را در اولویت کارهای خود قرار دهند.

کار کودک باید جرم محسوب شود آنها نه فقط به صورت بخشنده و تبصره بلکه باید به صورت عملی اجراء شود.

افرادی که کودکان را به هر دلیلی مورد آزار و اذیت و شکنجه قرار می دهند مورد پیگیری قانونی قرار گیرند، باید قوانینی مبنی بر مسئولیت پذیری والدین تدوین و به اجراء درآید حتی اگر والدینی توانایی و امکان نگهداری از فرزندان را ندارند دولتها موظف به نگهداری و سرپرستی از کودک باشد و باید به شرایط روحی و روانی کودکان توجه نمایند و هر گونه هزینه درمان روحی و جسمی آنها را بپردازند و شرایط برگرداندن آنها را به یک زندگی انسانی فراهم نمایند.

این قوانین محدود به یک دولت و یک کشور نباید باشد بلکه باید در سطح بین المللی برای لغو کار کودک تلاش کرد و همه دولتها باید موظف به اجرای آن باشند.

تا زمانی که فقر و تبعیض و اختلاف و جنگ قدرتها در جامعه وجود داشته باشد نمی توان به رشد و شکوفایی و سلامت کودکان رسید بنابراین برای رسیدن حقوق برابر برای همه شهروندان باید فقر و نابرابری را ریشه کن کرد.

باید معضل بیکاری کارگران و کم بودن دستمزدها را از بین برد.

دولتها باید موظف شوند برای رفاه کودکان سرمایه گذاری کنند. برای مثال درآمد حاصل از فروش نفت در ایران را باید در زیرساختهای جهت سرمایه گذاری کودکان هزینه کرد. اگر دولت ایران بخواهد تنها بخشی از این درآمد را به کودکان اختصاص دهد دیگر نیازی به کار کودکان نیست؛ اما ماهیت کثیف و ضد انسانی جمهوری اسلامی نه می خواهد و نه چنین جهت گیری را می پذیرد. زیرا با لغو استثمار کودکان دیگر نمی توان صاحب منافع بیشتری شد و نه میتوانست سایر قوانین اجتماعی سیاسی و اقتصادی را به جامعه و مردم تحت ستم تحمیل کند.

اثرات زیانبار کار کودک دیگر بر کسی پوشیده نیست. برای لغو کار کودکان باید بسترهای تشکیل دهنده آن را شناخت. باید مناسبات اقتصادی را که کودکان را وادار به کار می کند تغییر داد.

باید قوانین مربوط به کودکان مهاجر، که به دلیل فرهنگی و حقوقی کمتر قادر به پیگیری مطالبات خود هستند را تغییر داد.

وظایف فعالان حقوق کودک در این مقطع بحرانی تلاش برای تغییر این مناسبات بیرحمانه است با فشار آوردن به دولتها و این قوانین کودک ستیز به بخشهای مختلف جامعه و حکومت می توان در راستای لغو کار کودک قدمی کوچک برای از میان بردن استثمار و تبعیض علیه کودکان برداشت.

نشریه کودکان مقدمند، شماره ۱۰۴ - خرداد ماه [جوزا] ۱۳۹۲